

دین مادر



دین مادر عنوان قطعه شعری است که یکی از شعرای انگلیسی بنام جان میس فیلد (۱) سروده و نگارنده آنرا بنظم در آورده است - مشارالیه سالها ملك الشعرای دربار انگلستان بوده و آثاری بصورت داستان و غیره از او باقی مانده است - قبل از اینکه ترجمه منظوم ویرا برای خوانندگان نقل کنم بی مناسبت نیست که تاریخچه مختصری از شاعران و گویندگانی که در دربار سلاطین انگلیس سمت ملك الشعرایی داشته اند بیان نمایم .

نخستین پادشاهی که این رسم را معمول داشت جیمز اول (۱۶۲۵/۱۵۶۶) بود که جانسن (۲) شاعر معروف را به لقب ملك الشعرایی مفتخر ساخت و نشان مخصوص را بوی اهداء کرد و این امر دنباله زمانهای قدیم تر بود که نوازندگان و شاعران ندیم سلاطین بداشتن این نشان سرافراز میشدند .

بطوریکه در تواریخ مسطور است ریچارد اول (۱۱۹۹/۱۱۵۷) و هنری سوم (۱۲۷۲/۱۲۰۷) گویندگانی را بمنادمت خود برگزیده و آنها را مورد تشویق قرار میدادند - ادوارد چهارم (۱۴۸۲/۱۴۴۲) جان کی (۳) را بسمت ملك الشعرایی دربار خود منصوب نمود - شعرایی که این سمت را

داشتند علاوه بر نشان مخصوص بدریافت مستمری نیز نائل میشدند از جمله چوسر (۴) (۱۴۰۰/۱۳۴۰) افتخار داشت که جام شرابی از دست ادوارد سوم بعنوان مستمری بنوشد همچنین اسپنسر ملك الشعراء ملكه الیزابت بود و از دربار او مستمری دریافت میکرد - سرویلیام داوانانت (۵) که معاصر چارلز اول بود در سال ۱۶۳۸ میلادی بجاننشینی بن جانسن برگزیده شد - در زمان چارلز دوم که از ۱۶۶۰ تا ۱۶۸۵ در انگلستان سلطنت میکرد Drydon فرمان ملك الشعرائی یافت و سیصد پوند مستمری با او پرداخت میشد - بطور خلاصه اعطای این سمت و برقراری مستمری از این تاریخ رسمیت یافت و هنوز هم این رسم برقرار است .

گر چه مطلب بدرازا کشید اما بی مورد نیست که در باره نشان مخصوص و وظیفه شاعرانی که سمت ملك الشعرائی داشتند نیز مختصری گفته شود .

نشان مخصوص عبارت بود از برگ درخت غار (۶) که بعنوان حلقه یا تاج افتخار به قهرمانان و شعرای درجه اول و افراد برجسته دیگر تعلق میگرفت. تدریجا این نشان صورت رسمی پیدا کرد و بشعرا اختصاص یافت آنها شعرای وابسته بدربار و اغلب فرمانی بنام آنها صادر میشد - وظیفه این قبیل شاعران این بود که اشعاری بمناسبت سالروز ولادت پادشاه وقت و سایر حوادث و وقایع دربار بسرایند و در اعیاد رسمی انشاد کنند - شاعرانی که موظف با اجرای این مراسم بودند از حیث مقام و منصب همچنین میزان مستمری یکسان نبودند - اینک ترجمه منظومه : -

(۱)

در تنگنای تیره و تار مشیمه ، مام

از جان خود بکاست و بر جان من فزود

از بار حمل شد تنش از لاغری نزار

تا از حیات خویش مرا ساخت تار و پود

گر او نگرده رنجه تن خویشتن کنون

تاب و توان دم زدن و دیدنم نبود

(۲)

اکنون بخاک تیره نیارد که بنگرد
 جانی که داد بر من و جسمی که پرورید
 هرگز نداند او که چسان برده‌ام بکار
 آن روح عاطفت که بجسم و تنم دمید
 آری کدام در زند و جستجو کند
 آن حسن دلنواز کز او گشته ناپدید؟

(۳)

روزی اگر زخاک لحد سر بر آورد
 نتوان شناخت کودک دل‌بند خویشتن
 وریندم برآه ندانسته بگذرد
 زیرا نهال تازه‌اش اکنون شده کهن
 باشد که از علاقه مخصوص مادری
 آثار مهر خویش به بیند بروی من

(۴)

دینی که ثابت است ز مادر بگردنم
 مقدور من نگشت که بروی ادا کنم
 گیرم که درد ورنج زنی را کنم علاج
 با این عمل چسان دل مادر رضا کنم؟

خونی که در مشیمه مکیدم ز جسم او

جز با نثار جان نتوان خونبها کنم

(۵)

اقرار میکنم که من ای مادر عزیز
 قدر تو را نداشته‌ام ذره ای نگاه
 جایی که حکم در کف مردان بود هنوز
 کز میل خود کنند حقوق زنان تباه

آن به که برنیآوری ازخاک سر برون

کز فرط انفعال شود زوی من سیاه

حواشی

۱ - **gohn masefield** متولد ۱۸۷۸ م. شاعر و داستان نویس انگلیسی در جوانی باغلب کشورها سفر کرده و بمشاغل مختلف اشتغال ورزید. اولین اثرش بنام **Salt Weter Ballade** در سال ۱۹۰۲ انتشار یافت و باعث شهرت وی گردید. وی کتابهای متعددی بصورت داستان و درام - بنظم و نثر نوشت وهمگی بچاپ رسید - در میان اشعار داستانی او کتاب **Reynard the fox** که بسال ۱۹۱۹ طبع شد از بهترین آثار او محسوب گردید - در سال ۱۹۳۰ بسمت و لقب **ملك الشعرائی** دربار انگلیس مفتخر و تا آخر عمر دارای همین سمت بود جان میس فیلد پانزدهمین **ملك الشعرائی** دربار انگلیس بود و پس از يك عمر طولانی در ۱۱ می ۱۹۶۷ بدرود حیات گفت -

۲ - **Ben Janson** درام نویس انگلیسی ۱۶۳۷/۱۵۷۳ - در سال ۱۶۱۷ بملك الشعرائی دربار جیمز اول منصوب شد -

۳ - **John kay**

۴ - **Geoffrey Chaucer**

۵ - **Sir William-Davenant** متولد ۱۶۰۶ وفات ۱۶۶۸

۶ - غاردرختی است که چوب آنرا چون بسوزانند بوی خوش دهد و دوره سال

سبز و شاداب است (فرهنگ نفیسی و برهان قاطع) -